

طرف دیگر باید پذیرفت که با وجود کارشکنیهای روسیه و چین در امر تحریم عراق، سیاست تحریمهای اقتصادی علیه این رژیم شکست خورده است. با توجه به این دو عامل، خطر این که رژیم صدام حسین بار دیگر خطرآفرین شود وجود دارد. در این راستا حذف رژیم صدام حسین یک الزام استراتژیک برای آمریکا به شمار می رود. عملیات زوبانه صحرا و جریانهایی بعد از آن از چنین الزامی سرچشمه می گیرد.

هر چند ادعای رژیم عراق در مورد جاسوسی بازرسان سازمان ملل به سود ایالات متحده، تا حدود زیادی به اثبات رسیده است؛ اما صحت چنین ادعایی مانع از آن نمی شود که ایالات متحده بمبارانهایی را که به بهانه خودداری عراق از همکاری با سازمان ملل صورت می گیرد قطع نماید. مرحله دوم بمبارانها با این فرضیه شگفت آور که صدام کاملاً دیوانه است و بمبارانها او را از میدان به در خواهد کرد، از دسامبر ۱۹۹۸ تاکنون به تناوب ادامه داشته است. با این حال او همچنان در زیر این فشارها مقاومت می کند.

اکنون ایالات متحده در مرحله ای قرار گرفته که هدف آن کاملاً مشخص است. در این مرحله قرار است که برای همیشه مسأله صدام حل شود. سیاستمداران آمریکایی به این نکته واقف هستند که راهبرد سرنگونی تدریجی صدام حسین که از سال ۱۹۹۱ دنبال می شود، به موفقیتی دست نیافته است. بر این اساس، استراتژی کنونی آمریکا بر دو نکته متمرکز است. نکته اول وارد آوردن شکست نهایی به رژیم صدام است و نکته دوم که بسیار مهمتر است، قرار گرفتن در موضعی است که بتواند نه با شخص صدام، بلکه با صدام به عنوان بخشی از خاورمیانه آشتی کند. ایالات متحده و بریتانیا، پیشنهاد تازه ای را برای تجدید بازرسیها از تأسیسات نظامی عراق در دستور کار دارند. هر چند که مانع روسیه و چین بسیار جدی بنظر می رسد. اگر این قطعنامه توسط سازمان ملل رد شود، در آن صورت پوشش سیاسی مناسبی برای مقابله با عراق، نصیب ایالات متحده خواهد شد و زمینه را برای حرکت انفرادی این کشور فراهم خواهد ساخت. با این حال راهبرد آمریکا در مقابل عراق، این نکته را به ما می آموزد که منافع استراتژیک نباید در برخورد شخصی با صدام خلاصه شود. شیطان جلوه دادن دشمن زمانی مؤثر است که بتوان او را خرد نمود. اما اگر شیطان ساقط نگردد و ناچار از گفتگو با او باشیم، در آن صورت ضعفهای راهبردی ما برای همگان آشکار خواهد شد.

استراتفور (آمریکا) اوت ۹۹ (مرداد و شهریور ۱۳۷۸)

# ایالات متحده آمریکا

## سیاست خارجی

مجلس شورای ملی

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲

در این گزارش، به بررسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۹ پرداخته شده است. در این سال، ایالات متحده با چالش‌های متعددی مواجه شد که منجر به تغییرات مهمی در سیاست خارجی آن کشور گردید. در ادامه، به بررسی تحولات کلیدی در روابط با روسیه، چین، و عراق پرداخته می‌شود.

روسیه و چین در امر تحریم عراق، سیاست تحریمهای اقتصادی علیه این رژیم شکست خورده است. با توجه به این دو عامل، خطر این که رژیم صدام حسین بار دیگر خطرآفرین شود وجود دارد. در این راستا حذف رژیم صدام حسین یک الزام استراتژیک برای آمریکا به شمار می‌رود.

عملیات زوبانه صحرا و جریانهایی بعد از آن از چنین الزامی سرچشمه می‌گیرد. هر چند ادعای رژیم عراق در مورد جاسوسی بازرسان سازمان ملل به سود ایالات متحده، تا حدود زیادی به اثبات رسیده است؛ اما صحت چنین ادعایی مانع از آن نمی‌شود که ایالات متحده بمبارانهایی را که به بهانه خودداری عراق از همکاری با سازمان ملل صورت می‌گیرد قطع نماید.

مرحله دوم بمبارانها با این فرضیه شگفت‌آور که صدام کاملاً دیوانه است و بمبارانها او را از میدان به در خواهد کرد، از دسامبر ۱۹۹۸ تاکنون به تناوب ادامه داشته است. با این حال او همچنان در زیر این فشارها مقاومت می‌کند. اکنون ایالات متحده در مرحله‌ای قرار گرفته که هدف آن کاملاً مشخص است. در این مرحله قرار است که برای همیشه مسأله صدام حل شود.

سیاستمداران آمریکایی به این نکته واقف هستند که راهبرد سرنگونی تدریجی صدام حسین که از سال ۱۹۹۱ دنبال می‌شود، به موفقیتی دست نیافته است. بر این اساس، استراتژی کنونی آمریکا بر دو نکته متمرکز است. نکته اول وارد آوردن شکست نهایی به رژیم صدام است و نکته دوم که بسیار مهمتر است، قرار گرفتن در موضعی است که بتواند نه با شخص صدام، بلکه با صدام به عنوان بخشی از خاورمیانه آشتی کند.

ایالات متحده و بریتانیا، پیشنهاد تازه‌ای را برای تجدید بازرسیها از تأسیسات نظامی عراق در دستور کار دارند. هر چند که مانع روسیه و چین بسیار جدی بنظر می‌رسد. اگر این قطعنامه توسط سازمان ملل رد شود، در آن صورت پوشش سیاسی مناسبی برای مقابله با عراق، نصیب ایالات متحده خواهد شد و زمینه را برای حرکت انفرادی این کشور فراهم خواهد ساخت. با این حال راهبرد آمریکا در مقابل عراق، این نکته را به ما می‌آموزد که منافع استراتژیک نباید در برخورد شخصی با صدام خلاصه شود. شیطان جلوه دادن دشمن زمانی مؤثر است که بتوان او را خرد نمود. اما اگر شیطان ساقط نگردد و ناچار از گفتگو با او باشیم، در آن صورت ضعفهای راهبردی ما برای همگان آشکار خواهد شد.

ایالات متحده در سال ۱۹۹۹ با چالش‌های متعددی مواجه شد که منجر به تغییرات مهمی در سیاست خارجی آن کشور گردید. در ادامه، به بررسی تحولات کلیدی در روابط با روسیه، چین، و عراق پرداخته می‌شود.

روسیه و چین در امر تحریم عراق، سیاست تحریمهای اقتصادی علیه این رژیم شکست خورده است. با توجه به این دو عامل، خطر این که رژیم صدام حسین بار دیگر خطرآفرین شود وجود دارد. در این راستا حذف رژیم صدام حسین یک الزام استراتژیک برای آمریکا به شمار می‌رود.

عملیات زوبانه صحرا و جریانهایی بعد از آن از چنین الزامی سرچشمه می‌گیرد. هر چند ادعای رژیم عراق در مورد جاسوسی بازرسان سازمان ملل به سود ایالات متحده، تا حدود زیادی به اثبات رسیده است؛ اما صحت چنین ادعایی مانع از آن نمی‌شود که ایالات متحده بمبارانهایی را که به بهانه خودداری عراق از همکاری با سازمان ملل صورت می‌گیرد قطع نماید.

مرحله دوم بمبارانها با این فرضیه شگفت‌آور که صدام کاملاً دیوانه است و بمبارانها او را از میدان به در خواهد کرد، از دسامبر ۱۹۹۸ تاکنون به تناوب ادامه داشته است. با این حال او همچنان در زیر این فشارها مقاومت می‌کند. اکنون ایالات متحده در مرحله‌ای قرار گرفته که هدف آن کاملاً مشخص است. در این مرحله قرار است که برای همیشه مسأله صدام حل شود.

سیاستمداران آمریکایی به این نکته واقف هستند که راهبرد سرنگونی تدریجی صدام حسین که از سال ۱۹۹۱ دنبال می‌شود، به موفقیتی دست نیافته است. بر این اساس، استراتژی کنونی آمریکا بر دو نکته متمرکز است. نکته اول وارد آوردن شکست نهایی به رژیم صدام است و نکته دوم که بسیار مهمتر است، قرار گرفتن در موضعی است که بتواند نه با شخص صدام، بلکه با صدام به عنوان بخشی از خاورمیانه آشتی کند.

ایالات متحده و بریتانیا، پیشنهاد تازه‌ای را برای تجدید بازرسیها از تأسیسات نظامی عراق در دستور کار دارند. هر چند که مانع روسیه و چین بسیار جدی بنظر می‌رسد. اگر این قطعنامه توسط سازمان ملل رد شود، در آن صورت پوشش سیاسی مناسبی برای مقابله با عراق، نصیب ایالات متحده خواهد شد و زمینه را برای حرکت انفرادی این کشور فراهم خواهد ساخت. با این حال راهبرد آمریکا در مقابل عراق، این نکته را به ما می‌آموزد که منافع استراتژیک نباید در برخورد شخصی با صدام خلاصه شود. شیطان جلوه دادن دشمن زمانی مؤثر است که بتوان او را خرد نمود. اما اگر شیطان ساقط نگردد و ناچار از گفتگو با او باشیم، در آن صورت ضعفهای راهبردی ما برای همگان آشکار خواهد شد.

تلفظ: **USIA (آمریکا) سپتامبر ۹۹**

تلفظ: **USIA (آمریکا) سپتامبر ۹۹**



مجلس شورای ملی